

تازه‌های نشر

بازگشت از مسیر بی‌بازگشت آتئیست‌ها! این یک جمله، معرفی کوتاهی است برای کتاب «تولد در سائوپائولو»، سومین اثر از مجموعه کتاب‌های ره‌یافتگان به مسیر حقیقی دینداری و بندگی که به همت نشر عهد مانا روانه بازار نشر شده‌است.



نکته‌ها

آیت‌الله مجتبی تهرانی

بازگشت از مسیر بی‌بازگشت آتئیست‌ها را در «تولد در سائوپائولو» بخوانید

به گزارش خبرگزاری فارس، کتاب، داستان زندگی خانم کامیلاسلستینو است؛ دختری متولد سائوپائولوبرزیل. اودر نوجوانی درگیر سؤال‌های بی‌پایان و بی‌پاسخ ذهنش می‌شود و در قدم نخست و با نرسیدن به پاسخ‌های خود، با اعتقادات مذهبی خانواده مسیحی اش مخالفت می‌کند. بعد هم به

مسیر آتئیست‌ها می‌گذارد... تا اینکه در ۱۷سالگی پاکب مسلمان آشنا می‌شود و در ادامه، مسیر زندگی اش کاملاً تغییر می‌کند. با خواندن این کتاب و مرور شرایط زندگی و تغییر مسیر زندگی خانم کامیلا، غیر از اینکه با جذابیت‌ها و سختی‌های زندگی یک تازه مسلمان روبه‌رو می‌شوید،

و در مراقبت از آن درمانده‌ام، آن وقت این آیه، من را دربرابر اهلهم هم مکلف کرده و بار دیگران را هم بر دوش من گذاشته است! پیغمبر اکرم(ص) به او فرمود: «حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَ مَعَهُ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسُكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسُكَ»؛ کافی

روایتی از دیدار رهبر معظم انقلاب با خانواده شهید «جانی بت اوشانا» در دهه ۶۰

شما برای من مثل کشیش هستید



مادر با شنیدن نام «آقای خامنه‌ای» سراسیمه از جا بلند می‌شود و به طرف در می‌رود. ما هم پشت سر او به طرف در می‌دویم. در پاکرد پله‌ها مادر به حاج آقا خامنه‌ای می‌رسد، خوشامد می‌گوید و از روی عبادست ایشان را می‌بوسد.

ندارد؛ قدم ایشان هم سر چشم ما؛ منتظر می‌مانیم. در همین حال، زنگ خانه را می‌زنند. بلند می‌شوم بروم در را باز کنم که همان آقا دستم را می‌گیرد و می‌گوید: یک حرفی با شما داشتم؛ بنشینید؛ دوستم در را باز می‌کند. می‌نشینم بینم حرفش چیست. می‌گوید: میهمان اصلی شما آقای رئیس جمهور، آقای خامنه‌ای هستند! مادر با شنیدن نام «آقای خامنه‌ای» سراسیمه از جا بلند می‌شود و به طرف در می‌رود. ما هم پشت سر او به طرف در می‌دویم. در می‌پاکرد پله‌ها مادر به حاج آقا خامنه‌ای می‌رسد، خوشامد می‌گوید و از روی عبا دست ایشان را می‌بوسد.

من و چارلی نیز در راهرو با ایشان سلام علیک کرده و به داخل خانه تعارفشان می‌کنیم. من، چارلی، مادر و حاج آقا پشت میز ناهارخوری می‌نشینیم و ایشان شروع می‌کنند به خوش و بش کردن. بعد، از مادر می‌پرسند چرا دستشان را بوسیدند؟

- حاج آقا! ما در کلیسا دست کشیشمان را می‌بوسیم؛ شما هم برای من مثل کشیش هستید؛ برای همین خواهش کردم اجازه بدهید دستتان را ببوسیم. حاج آقا عکس‌های روی طاقچه را نگاه می‌کنند و با اشاره به یکی از قاب‌ها می‌پرسند این عکس شهید است؟ من سریع بلند می‌شوم و قاب عکس ژانی را از روی طاقچه به دست حاج آقا می‌دهم. ایشان به قاب عکس خیره می‌شوند و مادر شروع می‌کند از ژانی تعریف کردن. - وقتی می‌گویم ژانی بهترین بود می‌گویند به خاطر حس مادری‌اش است؛ ولی به همه می‌گویم این ربطی به مادر بودنم ندارد.

۱۱ دی ماه ۱۳۶۵

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای -در دوران ریاست جمهوری‌شان- به منزل شهید جانی بت اوشانا می‌روند. دیدار با خانواده‌های شهدای آشوری و مسیحی در ایام ولادت حضرت مسیح(ع) البته برنامه‌ای است که از همان زمان مسئولیتشان در مقام رئیس‌جمهور شروع شده و در دوران رهبری‌شان نیز ادامه پیدا می‌کند.

روایت دیدار با خانواده این شهید که اکنون پدر و مادر و سه برادرش از دنیا رفته‌اند، در کتاب «مسیح در شب قدر» از سوی انتشارات صهبا منتشر شده است. نیلسون، کوچک‌ترین برادر ژانی این دیدار را در این کتاب روایت کرده که در ادامه شرح کاملش را می‌خوانید. زمستان است و هوا سرد سرد. خوابیدن زیر کرسی در این سرمای زمستان خیلی لذت دارد. چارلی که درست روبه‌روی من، آن طرف کرسی خوابیده با کف پا به کف پایم می‌زند و خواب خوشم را خراب می‌کند!

-نیلسون در می‌زنند؛ برو در را باز کن...

گیج و منگ چشمانم را باز می‌کنم و از زیر کرسی می‌آیم بیرون. ساعت ۵/۵ صبح است و مادر در خانه نیست. احتمالاً رفته برای صبحانه نان بخرد. از جا برمی‌خیزم و می‌روم در را باز می‌کنم. مردی جوان و چهارشانه سلام می‌کند. خمیازه‌ای می‌کشم و جواب سلام می‌دهم.

بخشید آقایسر، بیدارت کردم انگار. اینجا منزل شهید ژانی است؟ ژانی بت اوشانا. خواب‌آلود سرم را تکان می‌دهم که یعنی بله! بعد یک لحظه از ذهنم می‌گذرد نکند خبری از پیکر داداش ژانی آورده است و خوابم می‌پرد! هیجان زده می‌گویم: بله همین جاست. من برادرش هستم. خبری شده؟ پیدایش کردید؟ -نه متأسفانه. امشب می‌خواستیم بباییم منزلتان مصاحبه. خواستم ببینم پدر و مادرت خانه هستند یا نه.

پنجر می‌شوم! می‌گویم: پدرم خانه نیست، مسافرت است، اما مادرم و برادر بزرگ‌ترم هستند.

-پس ما امشب یک نیم ساعتی مزاحمتان می‌شویم.

این را می‌گویند و خداحافظی می‌کند و می‌رود. هوا تاریک شده که زنگ خانه را می‌زنند. مادرم نگاهی به اتاق می‌اندازد که همه چیز مرتب باشد؛ بعد به من می‌گوید: نیلسون جان! برو در را باز کن مادر.

همان آقایی که صبح آمده بود با چند نفر دیگر آمده است؛ با گل و شیرینی. وارد خانه می‌شوند و با مادرم و چارلی سلام علیک می‌کنند و عذرخواهی از اینکه شب عید کریسمس مزاحم شده‌اند. مادرم مثل همیشه، گرم و صمیمی از میهمان‌ها استقبال کرده و تشکر می‌کند که قدم‌رنجه کردند و تشریف آوردند.

میهمان‌ها می‌نشینند به تماشای در و دیوار خانه! چند دقیقه‌ای می‌گذرد. مادر که چای می‌آورد، یکی از آن‌ها می‌گوید: ببخشید که ما کمی ساکتیم. آخر میهمان اصلی شما ما نیستیم و میهمان اصلی، یکی دو دقیقه دیگر می‌رسند! مادر خیلی ساده می‌گوید: عیبی



هیچ قطره ای در نزد خداوند دوست داشتنی تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته می شود نیست.



برش

آقای خامنه‌ای قبل از خداحافظی می‌پرسند چیزی احتیاج نداریم، کم و کسری چیزی؟

مادر و چارلی می‌گویند همه چیز خوب است و فقط از خدا، سلامتی شما را می‌خواهیم. با این همه، حاج آقا شماره تلفن دفتر خودشان را از یکی از همراهانشان می‌گیرند و به مادر می‌دهند. می‌گویند اگر یک وقت کاری داشتید، مضایقه نکنید. بعد هم هدیه‌ای به مادر اهدا می‌کنند و از او اجازه مرخص شدن می‌خواهند. مادر از خجالت آب می‌شود. -این چه حرفی است حاج آقا! اجازه ما هم دست شماست. خدا حفظتان کند. خیلی خیلی منت گذاشتید که تشریف آوردید. خوشحال و سرافرازمان کردید.

آموزه‌های خود را از چشم‌اندازی نو مرور خواهید کرد. این کتاب ادامه مجموعه «تولد در لس آنجلس» و «تولد در توکیو» است. انتشارات عهد مانا این کتاب را در ۱۵۲ صفحه به قلم راضیه مکاریان و به کوشش بهزاد دانشگر راهی بازار نشر کرده‌است.

است تو آن‌ها را امر کنی به همان چیزی که خودت را به آن امر می‌کنی و نهی کنی آن‌ها را از همان چیزی که خودت را از آن نهی می‌کنی؛ یعنی همان طور که به خودت امر و نهی می‌کنی به آن‌ها هم امر و نهی کن. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۹۲

تفسیر

بشارت‌های قرآن به وجود اقدس امام زمان بخش سی و چهارم



آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی |موضوع سخن در ارتباط با آیه ۲۴۹ سوره مبارکه بقره به عنوان نهمین آیه مهدوی قرآن بود. گذشت که حسب روایات ائمه(ع)، از جمله امتحان‌هایی که یاران امام زمان(عج) با آن مواجه می‌شوند، آزمایشی مشابه امتحان بنی‌اسرائیل در جریان مقابله سپاه طالوت و جالوت است که در آیه مورد اشاره بیان شده‌است. به منظور فهم مفاد این تطبیق، قسمت‌هایی از داستان بنی‌اسرائیل با طالوت و مقابله آن‌ها با لشکر جالوت را در نوبت قبل مرور کردیم و در این نوبت به تبیین بخش دیگری از این جریان که هم در آیات قرآن و هم روایات آمده، می‌پردازیم. پس از تسلط جالوت بر بنی‌اسرائیل، بنی‌اسرائیل نزد پیامبری آمدند که بعد از جناب موسی(ع) در میان ایشان مبعوث شده و بنا بر برخی روایات، نام او ارمیا بود. ایشان از وی خواستند فردی را به عنوان فرمانده معرفی کند تا بنی‌اسرائیل به رهبری وی با جالوت مقابله کنند. توضیح اینکه بر اساس بعضی نقل‌ها در بنی‌اسرائیل چنین بود که نبوت و پیغمبری در یک خانواده و تبار و سلطنت در تبار و نسل دیگر تحقق داشت. بر همین اساس، بعد از آمدن یعقوب و فرزندان او به مصر و پس از پایان عمر حضرت یوسف(ع)، حکومت، قدرت و مملکت داری در فرزندان یهودا و یوسف و نبوت و پیغمبری در فرزندان لایو تداوم یافت. لذا، همه انبیای بنی‌اسرائیل از جمله خود حضرت موسی(ع) از فرزندان لایو بودند.

در هر حال پس از مراجعه بنی‌اسرائیل به پیامبر خدا برای تعیین حاکم و فرمانده، آن پیغمبر که می‌دانست بنی‌اسرائیل قومی لجوج و نافرمان هستند، از آنان پرسید اگر خدا بر شما قتل و چنگ با جالوت را تکلیف کرد، آیا زیر بار می‌روید؟ آنان پاسخ دادند چطور به جنگ با جالوت نرویم حال آنکه از خانه و زندگی‌مان آواره شدیم و فرزندانمان کشته و زانمان به اسارت رفته‌اند!

با این حال، پس از آنکه آن پیامبر به امر خدا، طالوت را به عنوان فرمانده معرفی فرمود تا بنی‌اسرائیل به رهبری وی با جالوت مقابله کنند، به جز تعداد کمی که ۶۰ هزار نفر نقل شده، بقیه از فرمان خدا تخطی کردند و در جنگ حاضر نشدند.

تفسیر

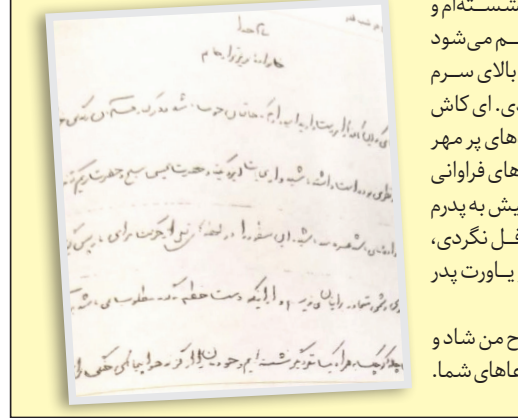
جزئیات تشییع و خاکسپاری شهید جانی بت اوشانا

مراسم تشییع پیکر پاک شهید جانی بت اوشانا ۸ اردیبهشت پس از نماز جمعه تهران برگزار خواهد شد. به گزارش ایسنا، سردار سیدمحمد باقرزاده، فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح گفت: غیر از مراسم وداع با پیکر شهید در روز چهارشنبه، روز پنجشنبه ۷ اردیبهشت نیز مراسم وداع دیگری در «پادگان ۱۰» ارتش برای این شهید برگزار می‌شود. مراسم جمعه ۸ اردیبهشت پس از نماز جمعه تهران برگزار خواهد شد. سردار باقرزاده خاطرنشان کرد: برنامه اختصاصی کلیسا نیز طبق آیین مذهبی آشوریان پس از نماز جمعه در کلیسای حضرت یوسف برپا می‌شود، سپس شهید عزیز جانی بت اوشانا برای تدفین به اسلامشهر منتقل خواهد شد.

شایان ذکر است، شهید جانی بت اوشانا سرباز تیپ ۵۵ هوابرد ارتش جمهوری اسلامی ایران بود. این شهید در عملیات بدر(۱۳۶۳) به درجه رفیع شهادت رسید و پیکرش پس از سه دهه تفحص شد. پیکر این شهید زمانی به کشور بازگشته که پدر، مادر و برادرش از دنیا رفته‌اند.



فقط خواهشمندم زیاد افسوس و شیون وناله نکنید چون ارزش این محبت‌های شما را ندارم. فرزند و ارادت‌مند شما ۶۴/۱۲/۲۰۲۱



از زحمات تو، بلکه پدرم قدردانی کنم، ولیکن نشد، این جنگ لعنتی نگذاشت. مادر جان در این لحظه لم خیلی هوابت را کرده چون روی یک سطح خاکی نشست‌ام و در جلو چشمانم، لحظه‌ای مجسم می‌شود که شما برای گرم نگه داشت‌م به بالای سرم می‌آمدی و خوابت را حرام می‌کردی. ای کاش در این لحظه اینجا بودی تا دست‌های پر مهر و محبت را در دست گیرم و بوسه‌های فراوانی و انثارت سازم. سعی کن بیش از پیش به پدرم محبت نمایی و لحظه‌ای از او غافل نگردی، چون لحظه‌های پیری تنها یار و یاورت پدر مهربان و زتوقم است.

... حتم دارم از این لحظه به بعد روح من شاد و قرین نعمت خواهد بود، آن‌هم با دعا‌های شما.